فصلنامه‌ی لسان مبین(پژوهش ادب عربی)
(علمی-پژوهشی)
سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی چهارم، تابستان ۱۳۹۰

بررسی پویایی و حیات صور خیال در شعر متنبی*

(با تکیه بر تصاویر شنیداری)

دکتر سید مهدی مسبوق
استادیار دانشگاه بوعلی- همدان
دکتر مرتضی قائمی
استادیار دانشگاه بوعلی- همدان
پروین فرخی راد
دانش آموخته کار شناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

دیوان متنبی به عنوان یک اثر ادبی برجسته، سرشار از انواع تصویر پردازی هاست؛ تصویرهایی که از صور شنیداری، دیداری، بویایی، بساوایی و چشایی نشأت می گیرد. در این میان، تصاویر شنیداری در بیشتر موضوعات شعری او دیده می شود و کاربرد آن نشان از ذهنیت و حالت درونی شاعر دارد. گویی او از نقش و جایگاه تصاویر شنیداری در ایجاد حیات و پویایی تصاویر کاملاً آگاه است؛ لذا برای مجسم ساختن بهتر محسوسات و ایجاد حرکت و حیات در تصاویر خود، به آفرینش تصویرهایی که از رهگذر حس شنیداری ادراک می شوند پرداخته و در پی صداهای پیرامون خود رفته و گفتگوی خویش با دیگران، شیهه ی اسب و همهمه ی سپاهیان، صدای پرش تیرها و چکاچک شمشیرها، وزش باد و غرش رعد و شرشر آب را به تصویر کشیده و از این طریق تصویرگری شعر خود را کامل نموده تا مخاطب، واقعیت های دنیای ذهن و تجارب شعری وی را بهتر درک کند.

واژگان کلیدی

متنبی، صور خیال، تصاویر شنیداری، صوت، شعر.

---

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ پذیرش نهائی:۱۳۹۰/۰۵/۲۰

نشانی پست الکترونیکی نویسنده:smm.basu@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

۱- مقدمه

احمد بن حسین معروف به متنبی (۳۰۳- ۳۵۴هـ) از برجسته ترین شاعران ادب عربی است که در موضوعات گوناگون شعر از قبیل مدح، حماسه، حکمت، مرثیه و هجو اشعار فراوانی سروده و در بیشتر این مضامین شعری شهرت یافته است. شعر این شاعر بزرگ از ابعاد گوناگون شکلی و محتوایی، توجه ناقدان و ادیبان را به خود جلب کرده است، او در اشعار خود تصاویر ادبی و هنری جذاب، دلنشین و زیبایی خلق کرده که از جهات مختلف قابل بررسی و ارزیابی است.

یکی از معیارهای قابل اندازه گیری و سنجش صور خیال، پویایی، حرکت و حیات این تصاویر است که لطافت و جذابیت هر چه بیشتر شعر را فراهم می آورد و آن را در دل و جان مخاطب جای می دهد. ایجاد پویایی در صور خیال با شیوه ها و سبک های گوناگونی انجام می شود و به عوامل متعدد و نا محدودی بستگی دارد که ادبا به فراخور توانایی، استعداد و ذوق هنری خویش از آنها استفاده می کنند؛ از آن جمله ساختار و نظام آوایی کلمات، کاربرد واژگان و تعابیری که بر جوش و خروش و حرکت دلالت می کنند، به کار گیری انواع تکرار و کلمات صدا معنایی، بهره گیری از طبیعت زنده، مبالغه و بزرگ نمایی متناسب با موضوع، خلاقیت در خلق تصاویر و ... را می توان نام برد.

صور خیال در شعر متنبی از فراوانی و زیبایی شگرفی برخوردار است و سنجش تصاویر هنری شعر او در دو بعد پویایی و حیات ادبی، افق هایی از خلاقیت و هنر شاعر را به روی خوانندگان می گشاید تا از این رهگذر بهتر بتوانند با تجربه های شعری و بیان ادبی او آشنا شوند. بنابراین با توجه به گستردگی معیارهای سنجش پویایی و حرکت در صور خیال و با هدف امکان بررسی دقیق موضوع، در این جستار صرفاً تصاویر شنیداری و نقش آن در ایجاد پویایی و حیات در دیوان این شاعر سترگ مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

۲- پیشینه ی پژوهش

جایگاه ادبی متنبی به گونه ای است که آثار فراوانی درباره ابعاد گوناگون نبوغ شعری و هنری وی به رشته تحریر در آمده و شروح متعددی بر دیوان او نوشته شده است، درباره ی صور خیال در شعر وی نیز پژوهش های ارزنده ای صورت پذیرفته که از آن جمله است:

- رشید فالح، جلیل، (۱۹۸۵) الصورة المجازیة فی شعر المتنبی، رساله دکتری، دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد.

Archive of SID

www.SID.ir

– سلطان، منیر، (۲۰۰۲) الصورة الفنیة فی شعر المتنبی، منشأة المعارف، مصر، اسکندریه.

این پژوهش ها و امثال این ها جایگاه علم معانی، صنایع بیانی و آرایه های بدیعی را در دیوان متنبی مورد بررسی قرا داده اند؛ اما هیچ یک به تحلیل صور خیال با تکیه بر عوامل ایجاد پویایی و حرکت در شعر او نپرداخته اند. بی تردید بررسی و شناخت خلاقیت شاعر در ایجاد پویایی و حیات در صور خیال، گوشه ای از زیبایی و هنر شعری وی را آشکار نموده و به فهم بهتر اشعار او کمک می کند.

۳- خیال و تصویر

خیال از مهم ترین عناصر اثر ادبی بوده و سهم بسیار مهمی در انتقال دریافت های ذهنی شاعر و آشنا نمودن خواننده یا شنونده با دنیای ذهن شاعر دارد و در واقع «خیال از عوامل برانگیزاننده عاطفه زیبایی و از نتایج آن و در بر گیرنده لذت ابتکار است، زیرا باعث تکمیل اندیشه هنرمند و آفرینش اندیشه ای نو و الهام گرفته از آن می گردد.» (غریب، ۱۳۷۸: ۴۹) شاعر با نگرش تازه و باریک بینی به اطراف خود می نگرد و در پدیده ها تعمق می نماید و آن را نه به گونه ای که هست، بلکه فراتر از آن می بیند و در این امر از خیال کمک می گیرد چرا که؛ «خیال نوعی کشف پیوندهاست، دیدن از فراسوست و یا به تعبیری دیگر مشاهده ای است از درون». (علی پور، ۱۳۷۸: ۳۳) بنابراین در ارزش هنری خیال می توان گفت: «هیچ تجربه ای از تجربه های انسانی بی تأثیر و تصرف نیروی خیال، ارزش هنری و شعری پیدا نخواهد کرد». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۷) و هرگونه تصویر یا خیال شاعرانه کم و بیش حاصل چندین نسل اندیشه و خیال است. (همان:۳۳۹)

واژه تصویر دامنه معنایی بسیار گسترده ای دارد، و تعریف های مختلفی از آن ارائه شده است؛ از جمله می توان آن را نمایش تجربه های حسی به وسیله زبان تعریف کرد. (پرین، ۱۳۸۳: ۳۸) تصویر در حقیقت رهایی از محدودیت های زمان و مکان است و یک عقده ی عاطفی را در یک لحظه زمانی بیان می کند؛ بنابراین تنگنای قالب شعر ایجاب می کند که شاعر برای القای مفاهیم، از خیال انگیزی شاعرانه که منجر به ایماژ (تصویر) در ذهن می شود بهره جوید؛ از این رو یکی از مهمترین ویژگی های شعر تصویرگری است، زیرا تصویر شاعرانه به اشیاء تشخص می بخشد و باعث می شود موضوعات ذهنی و عاطفی مجسم گردند و خواننده بتواند به وسیله جریانات پنهانی، روح شاعر را در برخورد با اشیاء و مسایل هستی دریابد.

www.SID.ir

۴- حرکت و ایستایی در صور خیال

صورخیال عناصری هستند که باعث تصویر پردازی و ایجاد تخیل در آثار ادبی می شوند و این صور خیال گاهی از حرکت و پویایی برخوردارند و گاهی دارای ایستایی و عدم پویایی اند.

حرکت و پویایی تصاویر یکی از مهمترین ویژگی های تصویر گری است که بیانگر میزان صدق عاطفه شاعر است. و «شاعری که تصاویر خود را از جوانب مختلف حیات و احوال گوناگون طبیعت می گیرد شعرش از پویایی بیشتری برخوردار است، زیرا با حرکت و جنبش طبیعت همراه است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳ :۲۵۳) حرکت و پویایی در صورخیال -که بیانگر حالت درونی ادیب و شاعر است- می تواند متنی را از ایستایی و مردگی خارج کرده و به آن حیات و تحرک بخشد. در نخستین تأمل، حرکت یا ایستایی تصویر را در شعر هر شاعری می توان به نیکی دریافت، اما رمز این پویایی یا ایستایی و علت آن را به سادگی نمی توان تحلیل کرد و توضیح داد.

۵- تصویر شنیداری

تصویر شنیداری از لحاظ ارزش زیبایی شناختی، بعد از تصویر دیداری قرار دارد. در مورد ارزش حس شنوایی نسبت به سایر حواس گفته شده: «حس شنوایی در اشارات عقلی و فهم رموز قوی ترین حس است.» (صبحی کبابه، ۱۹۹۹: ۱۲۵)

این تصاویر مانند نقاشی نیست که در ترسیم به ابزار مادی نقاشی و در نمایش آن به نور و روشنایی نیاز داشته باشد، بلکه انتقال این تصاویر از طریق گفتار و حس شنوایی است: حسی که دامنه کاربرد و کارایی آن به مراتب از حس بینایی گسترده تر است و برای بهره گیری از آن رویارویی با تصویر ضرورتی ندارد و ارتباط از طریق شنیدن پیشتر و بیشتر از دیدن است و شاید به همین دلیل در آیات بسیاری از قرآن که از نظم و ترتیب منطقی برخوردار است اشاره به حس شنوایی(سمع) قبل از حس بینایی (بصر) است. (نک: خلیل ابراهیم، ۲۰۰۰: ۱۴- ۲۰) مانند آنچه در آیات زیر مشاهده می شود:

«جعل لکم السمعَ والأبصارَ و الأفئدةَ لعلکم تشکرون ». ﴿نحل/۷۸﴾ برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به جا آورید. «إن السمعَ و البصرَ و الفؤادَ کل ذلک کان عنه مسؤولا». ﴿اسراء/ ۳۱﴾ گوش و چشم و عقل همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

در میان تصاویر شنیداری، تصاویری جذابیت و تأثیر گذاری بیشتری دارند که حیات و حرکت و پویایی بیشتری دارند چرا که آسان تر با مخاطب ارتباط برقرار می

www.SID.ir

کنند و پیام های هنری را آسان تر به شنونده منتقل می نمایند. هر چقدر تصویر ادبی و هنری زنده تر و پر تحرک تر باشد، مخاطب را بهتر در حال و هوای تجربه شعوری گوینده قرار می دهد، اما اگر تصویر راکد، خاموش و ساکت باشد، جذابیت کمتری دارد و ارتباط کمتری بین ادیب و مخاطب برقرار می سازد. ایجاد حرکت و پویایی در تصویر هنری از راه های گوناگونی انجام می شود ؛ از قبیل استفاده از آرایش صوتی پویا، چیدمان خاص حروف، واژگان و جملات، استفاده از فعل هایی که به حرکت و جنب و جوش دلالت می کند، و به کار گیری دلالت های مختلف رنگ ها، و به خدمت گرفتن واژگانی که بیانگر اصوات طبیعی یا غیر طبیعی است.

تصاویر شنیداری به عنوان مهمترین عنصر تصویرگری در اشعار شاعران جاهلی از جایگاه برجسته ای برخوردار است؛ از جمله« عنتره بن شداد» در معلقه خود مگسِ لابه لای درختان باغ را که شاخک هایش را به هم می ساید چون انسانی ترسیم نموده که مچ ندارد و سنگ چخماق را بر هم می زند، و با به کار گیری فعل (یحُکُّ) تداوم جنب و جوش را در این تابلو به نمایش گذاشته است:

هَزجاً یحُکُّ ذِراعَهُ بِذِراعِـهِ قَدحُ المُکِبِّ عَلَی الزِّنادِ الأجـذَمِ

(بستانی، ۱۹۵۱: ۱۵۵/۱)

ترجمه:« وزوز کنان بازوها را به هم می ساید، گویا انسان ناقص دستی است که سنگ چخماق را برای برافروختن آتش به هم می زند».

«امرؤ القیس» برای تصویر زوزه گرگ، نخست محل این زوزه و مکان گفتگوی او با گرگ، یعنی بیابان و مسیر سفرش را که مانند شکم گور خر گرسنه تهی و خالی از سکنه است، توصیف کرده می گوید:

و وادٍ کجَوفِ العَیرِ قَفرٍ قطعتُهُ به الذئبُ یَعوی کالخَلیعِ المُعیَّلِ

(همان: ۷۶/۱)

ترجمه:«چه بسا بیابانی پیمودم که چون شکم گور خری (گرسنه) تهی از سکنه بود و در آن گرگ همانند قمار بازی (مال باخته) که هزینه زن و فرزندی چند بر اوست، زوزه می کشید».

او با ارائه ی تصویری شنیداری، صدای زوزه ی گرگ گرسنه را به صدای قمار بازی تشبیه نموده که مال از کف داده و به یاد زن و فرزند گرسنه خود ناله ی حسرت سر داده است.

۶- تصویر شنیداری در شعر متنبی

Archive of SID

www.SID.ir

متنبی در ترسیم تصاویر شعری خود از افعال صدا معنایی و اصوات پیرامون خود کمک گرفته و با به کار گیری آن تصویرگری خود را کامل نموده است؛ وی آنچه را می شنود در یک چار چوب واقعی با خیالی نو ترسیم می کند و به آن زندگی و حرکت می بخشد و به رغم این که صوت امری نامرئی است، شاعر توانسته با اختیار واژگانی متناسب و زنده و پویا آن را به صورت امری مرئی نشان دهد، بدون اینکه از زیبایی شاعرانه و احساس صادقانه تهی باشد.

او با به کارگیری تصاویر محسوس شنیدنی صورت پردازی می کند. به عنوان مثال آن هنگام که از صحنه های میدان جنگ و دلاوری های ممدوح وچکاچک شمشیرها سخن می گوید با بهره گیری از عنصر صوت تصویری زنده و پویا پیش روی خواننده قرار می دهد و این تصاویر چنانند که از تصویرهای دیداری شاعر- هرچند که ماهرانه است - محسوس ترند، و بر خلاف تصویر های دیداری که در آنها، انتقال آهنگ ها اعم از طبیعی و غیر طبیعی میسر نیست، در این تصویرها به کمک الفاظ و تعبیرات و تشبیهاتی که به کار رفته، صورت هایی از صداهای طبیعی و غیر طبیعی که در ذهن شاعر نقش بسته، به راحتی احساس می شود.

او می کوشد با به کار گیری حواس بینایی، شنوایی ، چشایی و دیداری و از رهگذر صورخیال، معانی خویش را ادا کند. از این رو در تصویر پردازی خود از صداهای طبیعی نیز استفاده کرده و صدای شِکوه خود را از زمانه به تصویر کشیده است:

ألا لیت شعری هل أقولُ قَصیدةً فلا أشتکی فیها و لا أتَعَتَّبُ

(متنبی، ۱۹۸۶: ۴۶۷)

ترجمه:« کاش می دانستم آیا می شود قصیده ای بسرایم و در آن از روزگار شکایت و ناله نکنم و آن را نکوهش ننمایم».

متنبی با به کارگیری الفاظ و عباراتی که منظره را برجسته و جاندار می سازد، توان تصویرگری خود را به نمایش می گذارد. وی در تصویری هنری، صورت دنیا را ترسیم می کند و در این تصویر، صوت را در بافت شعری خود وارد می کند. صدای زدن و شکستن در دو کلمه «ضربنَ و کسرنَ» که در کنار هم قرار گرفته، به گونه ای است که گویی خواننده یا شنونده در آن فضا قرار دارد و بدین طریق لرزه بر اندام خواننده افکنده و او را از خشم دنیا برحذر می دارد:

فَلا تَنَلکَ اللَّیالی إنَّ أیدیَها إذا ضَرَبنَ کَسَرنَ النَّبعَ بالغَرَبِ

(همان: ۴۳۶)

Archive of SID

www.SID.ir

ترجمه:«دست حوادث روزگار از تو دور باد که چون دستانش ضربه زند با چوبی سست چوبی سخت (کمان) را در هم می شکند».

او در تصویر پردازی های خود، آن گاه که از ممدوح سخن می گوید حرکت، سرعت و قدرت را در یک بیت به خوبی بیان می کند:

نَفَذَت علَیَّ السابریَّ و ربَّما تَندَقُّ فیهِ الصَّعدَةُ السَّمراءُ

(همان: ۱۲۵)

ترجمه:«(تیر نگاهت) از زره ام گذشت (و بر قلبم نشست) با آن که بسا نیزه های راست که در (اثر برخورد با) این زره در هم می شکند».

شاعر از فعل (تندَقُّ) استفاده کرده که خود ذاتاً صوت را رسانده و بر مفهوم آن دلالت می کند و با آن رابطه ای ذاتی دارد. در ابیات زیر نیز علاوه بر صدای شکستن و زدن، صدای چکاچک شمشیرها نیز به گوش می رسد:

نُصَرِّفُه لِلطَّعنِ فوقَ حَوادِرٍ قَدِ انقَصَفَت فیهِنَّ منهُ کِعابُ

(همان: ۴۷۹)

ترجمه:«ما آن (نیزه ها) را برای نیزه زدن بر فراز اسبان فربه و توانا که تیزی نیزه ها در بدن هایشان درهم شکسته است، به هر طرف می گردانیم».

فأتیتَ مِن فوقِ الزَّمانِ و تَحتهِ متَصَلصِلاً و أمامهِ و ورائهِ

(همان: ۳۵۱)

ترجمه:«(تو را به یاری خود خواندم) تو نیز از فراز و فرود و پیش و پس زمانه ، با چکاچک شمشیرت آمدی».

واژگان «انقصفت» و «متصلصل» از افعال صدا معنایی است که صدای خرد شدن و شکسته شدن و برخورد شمشیرها از آنها به گوش می رسد.

متنبی در نشان دادن صحنه های جنگ و موضوعات مختلف حماسی به خوبی از عنصر اغراق بهره می گیرد. انبوه سپاهیان همه جا را فراگرفته و خروش پهلوانان و اسبان همه شهر را به لرزه در آورده است:

فَغَـرَّقَ مُدنَهُم بالجُیـوشِ و أخفَتَ أصواتَهـم باللَّجَب

(همان: ۴۳۹)

ترجمه:«(دمتریوس) شهرهای آنان را غرق در لشکریان نمود و با بانگ و فریاد لشکرش، صدای آنان را خاموش کرد».

Archive of SID

www.SID.ir

اصوات موجود در الفاظ (غرَّق و لجب) دلالت و معنی خاصی دارد و شنونده را به منبع صوت راهنمایی می کند. شاعر در تصویر پردازی های خود از افعالی کمک می گیرد که ذاتاً بر صوت دلالت می کند. « شَنَّ » از این گونه افعال است که حرکت و پویایی را به زیبایی می رساند و شاعر به کمک آن دلاوری و هجوم ممدوح را به تصویر کشیده و ترس و وحشت در دل همه افکنده است:

شَنَنتَ بِها الغاراتِ حتّی تَرکتَها و جَفنُ الذی خَلفَ الفَرنجَةِ ساهِدُ

(همان: ۳۱۹)

ترجمه:« تو از هر سو بر آن سرزمین (روم) یورش بردی و همه را ترساندی چنان که آنجا را در حالی واگذاشتی که هر کس در پشت روستای فرنجه بود از بیم و هراس تو نغنود».

در ابیات زیر نیز صدای جنگ و خنده و طرب و شیهه اسبان را توأمان به تصویر کشیده می گوید:

بکُلِّ أشعَثَ یلقی المَوتَ مُبتَسِماً حتَّی کأنَّ لَـــه فی قَـتلِهِ أرَبـا

قُحٍّ یکادُ صَـهیلُ الخَیلِ یقذِفُهُ عن سَرجِهِ مَرَحاً بالغَزوِ أو طَرَبـا

(همان: ۱۰۰)

ترجمه:« با هر مرد ژولیده مویی رهسپار جنگ می شود و آن چنان شادان و خندان مرگ را دیدار می نماید که پنداری کشته شدن، غایت اوست، با آن عرب گهر نژاد که نزدیک است شیهه اسبان، او را از فرط شور و شادی جنگ از زین اسب فرو افکند».

اصوات موجود در الفاظ، دلالت ها و معانی خاصی دارند که می تواند خواننده را از دانستن معنی لغوی کلمات بی نیاز کند؛ یعنی بی آن که شخص معانی کلمات را بداند، تنها از طریق آواهای به کار رفته درآن کلمات ، می تواند مفهوم را درک کند یا حدس بزند این گونه دلالت آهنگ و طنین بر معنا در زبان عربی بیشتر در مشتقات کلمات رباعی و مضاعف دیده می‌شود. (رجایی، بی تا: ۱۶) مانند «ضجیج» در بیت زیر که معنای صوت را رسانده و به تصویر، حرکت و پویایی بخشیده است:

نُعَـوِّذُهُ مِنَ الأعیانِ بأساً و یَکثُرُ بالـدُّعاءِ لَهُ الضَّجیجُ

(متنبی، ۱۹۸۶: ۳۱۰)

ترجمه:«ما برای دفع چشم زخم از نیرومندی و دلیری او، بر وی حرز می بندیم در حالی که در دعا کردن برای او آه و ناله بسیار می کنیم».

Archive of SID

www.SID.ir

در بیت زیر در رویارویی با کسانی که او را بی اصالت و فاقد اصل و نسب نژاده خوانده اند، صفت «جحجاح» را که بر بزرگی و عظمت دلالت می کند، به خود نسبت داده و سخنان سفیهانه ی آنان را به پارس سگان (نُباح) تشبیه نموده و می گوید:

أنا عَینُ المُسَـوَّدِ الجَحجاحِ هَیجَتنی کِلابُکُـم بِالنُّباحِ

(همان: ۵۵)

ترجمه:«من همان سرور و سالار بزرگم که سگان شما با بانگ و هیاهوی خود مرا خشمناک و آشفته کردند».

او در ترسیم تابلوی حماسی خود صدای لشکریان را به تصویر می کشد و گاه صدای آنان را به صدای بادها تشبیه می کند و این چنین به تصاویر خود حرکت و پویایی خاصی می بخشد:

تَهُبُّ فی ظَهـرِها کَتائِبُـهُ هُبُوبَ أرواحِهـا المَراویـدِ

(همان: ۲۹۵)

ترجمه:«در آن بیابان ها، لشکریان او (سیف الدوله) بسان وزیدن بادهای روان می وزند».

و صدای دویدن لشکریان را بر فراز کوه به صدای باد تشبیه کرده می گوید:

و جَیشٌ یثنّی کُلّ طَودٍ کأنّهُ خریقُ ریاحٍ وَاجَهَت غُصُناً رَطباً

(همان: ۳۲۸)

ترجمه:«این لشکر هنگامی که از کوهی بگذرد (از کثرت خود) آن را دو نیم سازد و از آنان بانگی چون تند بادی که بر شاخه ای نرم و نازک وزد به گوش می رسد».

همو در تصویری بسیار زیبا، اوج دلتنگی خود از فراق یار را به تصویر کشیده که حتی اسبش نیز از این فراق اندوهگین شده، با وی همدردی می نماید و ناله و فغان سر می دهد:

مَرَرتُ علی دارِ الحَبیبَ فَحَمحَمَتْ جَوادی و هل تَشجو الجیادَ المَعاهدُ

(همان: ۳۱۸)

ترجمه:«از کنار منزلگه محبوب گذشتم و اسبم بانگ برآورد، ولی آیا دیار یاران و دوستان، اسبان را نیز (چون آدمیان) غمین می سازد».

او خواسته ها و آرزوهای خود را در اسبش به تصویر کشیده و حزن و اندوه و احوال قلب عاشق خویش و آرزوهای نفس آشفته ی خود را از طریق او بازگو می نماید و احساس و عاطفه خود را چنان در قالب الفاظ و معانی بیان می کند که با اندکی تأمل در آن می توان به عمق اندوه وی پی برد.

Archive of SID

www.SID.ir

شاعر در تصویری دیگر، به توصیف صدای پرنده ای می پردازد که در غم هجران و فراق یار فغان و ناله سر می دهد؛ در واقع کبوتر غمگین که از درد فراق، ناله سر می دهد، تصویری از زندگی متنبی است که سیف الدوله را از دست داده و از فرط غم و اندوه ناله و شکوه می کند:

یجِدُ الحَمامُ و لو کَوَجدی لَانبَری شَجَرُ الأراکِ مَع الحَمامِ ینوحُ

(همان: ۶۷)

ترجمه:«کبوتر (در غم از دست دادن همدم خود) اندوهگین می شود ولی اگر عشق و شیفتگی او (به یارش) همچون شیفتگی من بود، درختان اراک نیز با او فغان و شیون سر می دادند».

و با آوردن واژگانی چون (وابل، دوی القسی و رعد) صدای برخورد نیزه ها را که چون رعد و برق به گوش می رسد، به تصویر کشیده و می گوید:

و نَمتَحِنُ النُّشابَ فی کُلّ وَابـلٍ دَوِی القَسی الفارسیةِ رَعـدُهُ

(همان: ۵۵)

ترجمه:«شدت نیزه های ترکی را در بین سپاهیان می آزماییم و این نیزه ها در کثرت بسان باران و در صدا بسان رعد و برق اند».

متنبی تابلویی زیبا و دل انگیز از کجاوه های مزین ترسیم می کند و صدای پای شتران را که بر روی سنگ ریزه ها در حرکتند، به سر و صدای لک لک تشبیه کرده و می گوید:

بکُل فَلاة تُنکِرُ الإنسَ أرضُها ظعـائنُ حُمرُ الحَلی حُمرُ الأیانِق

و مَلمومَـةٌ سَیفیـّةٌ رَبَعیـّةٌ تَصیحُ الحَصَی فیها صِیاحَ اللّقالِق

(همان: ۳۹۵)

ترجمه:«در بیابان های خالی از سکنه کجاوه هایی با زیورهایی سرخ فام و ماده شترانی سرخ رنگ در حال حرکت است و صدای پای گله اشتران سیف الدوله ربیعی بر روی سنگریزه ها چون صدای لک لک ها به گوش می رسد».

تنوع در تصاویر شعری متنبی بسیار است و این تنوع حاصل گستردگی قلمرو وصف های شاعر است. از میدان های نبرد تا آلات جنگ، بیان حالات و حوادث تا وصف انسان، شترها، اسب ها و طبیعت به تناوب، در جای جای دیوان تکرار می شود و شاعر به تناسب از هر کدام تصویری تازه می سازد؛ چنانچه تدبیر و شجاعت سیف الدوله و کرّ و فر سپاه او را به نیکی و با نوعی مبالغه چنین وصف می کند:

Archive of SID

www.SID.ir

أَتَـوکَ یَجُـرُّونَ الحَـدِیـدَ کأَنّـ سَرَوْا بجیادٍ مـا لَهُنّ قَـوائِـمُ
إذا بَرَقُـوا لم تُعرَفِ البیضُ مِنهُمُ ثِیابُهُمُ مَـن مِثلِـها والعَمـائِـمُ
خَمِیسٌ بِشَرقِ الأرضِ والغَربِ زَحفُهُ و فی أذُنِ الجَـوزاءِ منـهُ زمـازمُ

(همان: ۳۸۵)

ترجمه:«غرق در آهن می آیند و با اسبانی زره پوشیده که پاهاشان از نظرها پنهان است ره می سپارند، چون سلاح آهنین بر تنشان درخشد، شمشیرهایشان از کلاه خود و زره هایشان شناخته نشود، سپاهی عظیم که مشرق و مغرب زمین جولان گاه آن است و زمزمه های آن در گوش جوزاء پیچیده است».

شاعر در تصویر نشاط و شکوه سپاه ممدوح و تجسم صور خیالی خویش، صدا و همهمه ی آنان را به تصویر می کشد که به گوش ستاره ی جوزاء می رسد .وی در اشعار حماسی خود از ابزار و آلات جنگی (شمشیر، کلاه خود و زره) بسیار استفاده کرده است و هیأت حاصله از سپاهی عظیم با لباس های جنگی را در نظر می آورد که با همه ی عظمت و شکوهش پیش چشم خواننده تجسم یافته است. او بر حسب معانی مورد نظر خود، الفاظ و عباراتی چون: (زمازم، زحفه، برقوا، البیض، یجرون الحدید) را به کار برده که با موضوع کاملاً تناسب و ارتباط دارد و این امر نشان دهنده ی مهارت شاعر در حسن انتخاب تعابیر و واژگان برای تأثیر گذاری در خواننده و کامل نمودن تابلوی هنری خود است.

قدرت و توانایی متنبی در استحکام و استواری جمله بندی ها و گزینش واژگانی پر طمطراق در اشعار او کاملاً مشهود است و از این رهگذر توانسته به موسیقی و آهنگی غیر از موسیقی اوزان دست یابد؛ یک نوع موسیقی خالی از هر نوع رقت و عذوبت و انسجام که تنها بیانگر خشونت و قدرت و خروش نبرد در والاترین و پرشکوه ترین درجات آن است. این موسیقی پر جبروت را طنینی است که پس از خواندن شعر متنبی مدت ها در درون روح آدمی باقی می ماند. (فاخوری، ۱۳۸۳: ۴۷۰)

او همچون نقاش، پیکرتراش و آهنگ سازی است که با هنر شعر تصاویر ذهنی خود را به نمایش می‌گذارد و حتی از اوزان شعر او طنین پرش تیرها و برخورد نیزه ها به گوش می رسد:

رمانی الدَّهرُ بالأَرزاءِ حتی فُؤادی فی غِشاءٍ من نِبالِ
فصرتُ إذا أصابتْنی سِهامٌ تکسَّرتِ النِّصالُ علی النِّصالِ

(متنبی، ۱۹۸۶: ۲۱۱)

Archive of SID

www.SID.ir

ترجمه:«روزگار مرا مورد هدف تیرهای حوادث خود قرار داد تا جایی که دلم در پوششی از تیرها قرار گرفت، پس به گونه ای شدم که هرگاه تیرهایی به من می خورد، پیکان ها بر پیکان ها می شکند و به قلبم راه نمی یابد».

پس از آن که متنبی مصر را ترک نمود و عازم ایران شد، طبیعت در شعر او نمود بیشتری یافته و به سبک و سیاقی نو به توصیف آن می پردازد، از جمله تصویرگری های هنرمندانه او در وصف طبیعت آنجاست که صدای آب های جاری بر سنگ ریزه ها را به صدای النگوهای زنان تشبیه نموده می گوید:

و أمـواهٌ تصلُّ بهـا حَصَاهـا صَليلَ الحَلْيِ فی أيدی الغَوانِی

(همان: ۵۴۱)

ترجمه: «و آب هایی است که چون بر سنگریزه ها جاری می شود، از آن صدایی بر می خیزد چون صدای دستبندهای زنان خوبروی».

متنبی در این تابلو برای تصویر صدای آب بر روی سنگریزه ها به صدای خلخال های زنان اشاره کرده و با به کارگیری تصویری خیالی و تداعی این تصویر در اذهان، به جذابیت سخن خود افزوده است.

نتیجه

حیات و پویایی تصاویر از مهمترین ویژگی های تصویر گری است که باعث جذابیت و تأثیر گذاری کلام می شود. از عوامل ایجاد پویایی و حیات تصاویر شعری، ترسیم مظاهر و جلوه های مختلف طبیعت است و شاعری که تصاویر شعری خود را از مظاهر طبیعت پیرامون می گیرد و در خلق تابلوی هنری خود از حواس پنج گانه کمک می گیرد، شعرش از پویایی و حیات بیشتری برخوردار است.

متنبی از جمله شعرایی است که برای تکمیل صورت گری خود به دنبال محیط پیرامون رفته و تصاویر دیداری، بویایی، بساوایی، شنیداری و چشایی را به خدمت گرفته است. علاوه بر این او با به کارگیری واژگان صدا معنایی که ساختار و آهنگ آنها معنایی خاص می آفریند، به تصاویر خود حرکت و پویایی می بخشد. او برای انتقال بهتر احساس خود به آفرینش تصویرهایی که از صورت های شنیدنی برگرفته شده روی آورده و به دنبال صداهای پیرامون خود رفته و غرش ابر، شیهه اسب، همهمه ی سپاهیان، صدای پرش تیرها، چکاچک شمشیرها، وزش بادها، غرش رعد و برق و صدای آب را به تصویر کشیده تا از این رهگذر تصورات ذهنی خود را به صورت ملموس و محسوس پیش روی خواننده و شنونده قرار دهد.

Archive of SID

www.SID.ir

کتابنامه

قرآن کریم.

۱- بستانی، فؤاد أفرام.(۱۹۵۱).«**المجانی الحدیثة**»، ج ۱، بیروت: دار الفقه للطباعة و النشر.

۲- پرین، لارنس. (۱۳۸۳). « **درباره شعر**»، ترجمه: فاطمه راکعی، تهران: انتشارات اطلاعات.

۳- خلیل ابراهیم، صاحب.(۲۰۰۰).«**الصّورة السّمعیة فی الشعر العربی قبل الإسلام**»، دمشق: منشورات إتحاد الکتاب العرب.

۴- رجایی، نجمه.(بی تا).« **نقش ساختار آوایی کلمه در موسیقی شعر عربی**»، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.

۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳).« **صورخیال در شعر فارسی**»، تهران: نشر نیل.

۶- صبحی کبابه، وحید .(۱۹۹۹).« **الصورة الفنیه فی شعر الطائیین بین الانفعال و الحس**»، دمشق، إتحاد الکتاب العرب.

۷- علی پور، مصطفی.(۱۳۷۸).« **ساختار زبان شعر امروز**»، تهران:انتشارات فردوس.

۸- غریب، رز.(۱۳۷۸).« **نقد بر مبنای زیبایی شناسی و تاثیر آن در نقد عربی**»، ترجمه : نجمه رجایی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی.

۹- فاخوری، حنا.(۱۳۸۳). «**تاریخ ادبیات زبان عربی**»، ترجمه: عبد المحمد آیتی، تهران:انتشارات توس.

۱۰- المتنبی، أبو طیب. (۱۹۸۶).« **الدیوان**»، شرح: مصطفی سبیتی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۱۱- منوچهریان، علیرضا. (۱۳۸۲).« **ترجمه و تحلیل دیوان متنبی**»، جزء اول، همدان: نشر نور علم.

۱۲- منوچهریان، علیرضا. (۱۳۸۷). «**ترجمه و تحلیل دیوان متنبی**» ، جزء دوم، تهران : انتشارات زوار.

Archive of SID

www.SID.ir

فصلنامه‌ی لسان مبین(پژوهش ادب عربی)
(علمی-پژوهشی)
سال دوم، دوره‌ی جدید، شماره‌ی چهارم، تابستان ۱۳۹۰

حركية الصورة الفنية فی شعر المتنبی*
(الصورة السمعية أنموذجا)

الدكتور سيد مهدی مسبوق
استاذ مساعد فی جامعة بوعلی سينا، همدان
الدكتور مرتضی قائمی
استاذ مساعد فی جامعة بوعلی سينا، همدان
پروين فرخی راد
طالبة الماجستير فی اللغة العربية و آدابها

الملخصّ

إن شعر المتنبی باعتباره عملا أدبيا بارزا يحفل بالصور الفنية المتنوعة التی تنبثق من الصور السمعية و البصرية و الشمية و اللمسية و الذوقية. و الصور السمعية يكثر استخدامها فی كافة أغراضه الشعرية و هذا ينم عن خيال الشاعر و نفسيته، و كأنه قد عرف مكانة الصورة السمعية فی حركية الصور فقد عمد إلی خلقها ليصور بها دلالات انفعالية و يضفی الحركية و الديناميكية علی تصاويره الشعرية. قد اندفع شاعرنا إلی أصوات الطبيعة و صور حواره مع الآخرين و صهيل الخيل و لجب الجيش و دویّ السهام و صليل السيوف و هبوب الرياح و صوت الرعد و خرير المياه و قد أكمل بها تصاويره الشعرية ليتعرف المتلقی علی مشاعر الشاعر و تجاربه الشعرية.

الكلمات الدليلية

المتنبی، الصور الفنية، الصورة السمعية، الصوت، الشعر.

Archive of SID

---

* - تاريخ الوصول: ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ تاريخ القبول: ۱۳۹۰/۰۵/۲۰

عنوان بريد الكاتب الإلكترونی: smm.basu@yahoo.com

www.SID.ir